

## بررسی ویژگی‌های شخصیتی مردان بی‌وفا (خیانت): یک مطالعه کیفی

موسی چوپانی<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبایی

کلثوم کریم‌نژاد

دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

کیومرث فرحبخش

استاد مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده

خیانت زناشویی به‌عنوان یک بحران در حال رشد در ایران، با آسیب‌های جدی در بعد فردی، زوجی، خانوادگی و اجتماعی همراه است و نقش زیادی در انحلال خانواده و طلاق زوجین دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی کیفی ویژگی‌های شخصیتی مردان بی‌وفا (خیانت) می‌باشد. این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام گردید. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام مردان بی‌وفا (خیانت) شهر شاهین‌دژ بود که پس از شناسایی تعداد زیادی از آن‌ها توسط پژوهشگر (افراد شناسایی شده یا با پژوهشگر آشنایی قبلی داشتند و یا از طریق معرفی دوستان، شناسایی شدند)، از میان آن‌ها با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۸ مرد (که حاضر به برقراری رابطه با پژوهشگر و شرکت در مصاحبه بودند) برای حضور در پژوهش انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. همه مصاحبه‌ها ضبط و سپس خط‌به‌خط دست‌نویس شد و در نهایت با استفاده از روش تحلیل تفسیری دیکلمن، آلن و تاوئر تحلیل گردید. ۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه منجر به شناسایی ۲۱۰ کد

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول.

آدرس پست الکترونیکی: [mousachoupani@gmail.com](mailto:mousachoupani@gmail.com)

آدرس پستی: آذربایجان غربی، شهرستان شاهین‌دژ، خیابان امام، کوچه مرادیان، منزل حسن چوپانی، کدپستی: ۵۹۸۱۹۳۳۴۸۳

وصول: ۱۳۹۵/۰۷/۰۱ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۹

اولیه (عبارت مهم)، ۳۵ زیرمضمون و ۶ مضمون اصلی شامل (تنوع طلبی جنسی، اعتماد به نفس پایین، عدم پابندی مذهبی، ضعف یا عدم وجدان، دلبستگی اجتنابی و هیجان خواهی) شد. تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش منجر به شناسایی ۶ ویژگی شخصیتی مردان بی‌وفا شد که در گرایش آن‌ها به سمت خیانت زناشویی تأثیرگذار می‌باشد، بنابراین از این نتایج، می‌توان جهت تدوین برنامه‌هایی در خصوص آموزش زوجین و پیشگیری از وقوع بحران خیانت زناشویی استفاده کرد.

**کلیدواژه:** بررسی کیفی، ویژگی شخصیتی، بی‌وفایی زناشویی

## Unfaithful males' personality characteristics: a qualitative study

Choupani, M., Karimnejad, K., Farahbakhsh, K.

(Received: 22,09, 2016-Accepted: 19,12, 2016)

### Abstract

As a growing crisis in Iran, extramarital affairs are accompanied with serious damages to personal, marital, family and social life and has an important role in family dissolution and divorce. The purpose of current article is to study the personality characteristics of unfaithful men. The present study was carried out using a qualitative method and a phenomenological approach. The statistical population consisted of all unfaithful males (with extramarital affairs) of Shahindezh city who were identified by the researcher (either directly or through friends). Of these, 8 men who were happy to participate in the interview were selected using purposive sampling. All the interviews were recorded and then transcribed verbatim and finally analyzed through the Diekelmann, Allen and Tanner's hermeneutic analysis. Analyzing of the 8 semi-structured interviews data led to the identification of 210 primary codes (important statements), 35 sub-themes and 6 central themes, namely, desire for sexual variety, low self-confidence, lack of religious commitment, weakness or lack of conscience, avoidant attachment and sensation seeking). Results showed that there are six personality characteristics in unfaithful males that influence their tendency to extramarital affairs. These results can be used to develop programs for educating young couples and in order to prevent the from engaging in extramarital affairs.

**Keywords:** qualitative study, personality characteristics, marital infidelity.

## مقدمه

خیانت زناشویی<sup>۱</sup> موضوع تکان‌دهنده‌ای برای زوجین و پدیده‌ای رایج برای مشاورین و درمانگران حوزه ازدواج و خانواده است که نقشی اساسی در انحلال سیستم خانواده و گرایش زوجین به سمت طلاق دارد (هنرپروران، ۱۳۹۳؛ استاپلس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲؛ جنکینس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵؛ استیگلitz، گورون، کاپلان و وینکینگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). داشتن تعریفی واحد از مفهوم خیانت زناشویی، یکی از اصلی‌ترین موانع پژوهش در این زمینه است، ولی به‌طور کلی و تا حدود زیادی در اکثر فرهنگ‌ها، خیانت زناشویی، داشتن هرگونه رابطه عاطفی و جنسی با نفر سوم و بدون آگاهی همسر بوده که تعهد رابطه زناشویی را نقض کرده و با رنج‌های عاطفی در همسر خیانت‌دیده همراه است (ویسر و ویگل<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵؛ جیکینس، ۲۰۱۵) که امروزه به‌صورت کلی به سه گروه خیانت عاطفی، خیانت جنسی و خیانت عاطفی \_ جنسی تقسیم‌بندی می‌شود (زارع<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱).

بخش وسیعی از مردم رابطه تک‌همسری را تنها شیوه مشروع و قابل قبول برای ارضای نیازهای عاطفی و جنسی می‌دانند و برقراری هرگونه رابطه عاطفی و جنسی خارج از حیطه ازدواج را نهي می‌کنند، در تحقیقی که توسط جانسون، استانلی، گلن، آماتو، نوک و مارکمن<sup>۷</sup> (۲۰۰۱)؛ به نقل از سودانی، کریمی، مهربابی‌زاده‌هنرمند و نیسی (۱۳۹۱) انجام شد، حدود ۹۷ درصد از شرکت‌کنندگان در پژوهش بیان کردند که افراد متأهل و زوجین به‌هیچ‌وجه نباید رابطه جنسی و عاطفی خارج از محدوده ارتباطی خویش داشته باشند، ولی با این حال تعداد زیادی از زوجین، به سمت خیانت و روابط فرازناشویی گرایش پیدا می‌کنند. تسپلاس، فیشر و آرونک<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خویش گزارش کردند که حدود ۸۵٪ از ۹۰٪ از افراد شرکت‌کننده در پژوهش موافق تک‌همسری و انحصار روابط جنسی و عاطفی با همسر بودند، ۷۰٪ از آن‌ها همواره نگران خیانت شریک زندگی (همسر) خود بودند و

<sup>1</sup> Marital Infidelity

<sup>2</sup> Staples, J.

<sup>3</sup> Jenkins, Q. T.

<sup>4</sup> Stieglitz, J., Gurven, M., Kaplan, H., Winking, J.

<sup>5</sup> Weiser, A. D., Weigel, J. D.

<sup>6</sup> Zare, B.

<sup>7</sup> Johnson, C. A., Stanley, S. M., Glenn, N. D., Amato, P. A., Nock, S. L., & Markman, H. J.

<sup>8</sup> Tsapelas, I., Fisher, H. E., & Aron, A.

همچنین تعداد زیادی از آن‌ها تجربه خیانت زناشویی را حداقل برای یکبار داشتند.

در مورد میزان و فراوانی خیانت زناشویی در بین زوجین پژوهش‌های مختلفی با نتایج متفاوت انجام شده است که این تفاوت تا حد زیادی ناشی از اختلافی است که در تعریف خیانت زناشویی نزد پژوهشگران و اندیشمندان مختلف وجود دارد (ویسر و ویگل، ۲۰۱۵). استفانو و اولاً<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)؛ به نقل از جونز و ویسر<sup>۲</sup>، (۲۰۱۴)؛ ایندور، پری پالدی، هیرسچبرگر، بیرناوم و دیوتسج<sup>۳</sup> (۲۰۱۵)، در پژوهش‌هایی که در آمریکا انجام دادند گزارش کردند که ۲۱ تا ۲۵ درصد از مردان و ۱۱ تا ۱۵ درصد از زنان در طول زندگی خویش حداقل یکبار مرتکب خیانت زناشویی شده‌اند. این در حالی است که ایوس و اسمیت<sup>۴</sup> (۲۰۰۷)؛ به نقل از تسپلاس و همکاران، (۲۰۱۰) در پژوهش مشابهی که در آمریکا انجام دادند به این نتیجه رسیدند که وقوع خیانت زناشویی بین زنان آمریکایی ۲۶ تا ۷۰ درصد و بین مردان آمریکایی ۳۳ تا ۷۵ درصد است. مارک، جانسون و میل‌هاوسین<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خویش نشان دادند که یک سوم مردان و یک چهارم زنان به‌طور میانگین حداقل یکبار خیانت زناشویی را در طول زندگی خود تجربه کرده‌اند.

خیانت زناشویی مسئله‌ای چندوجهی است که علل و عوامل گرایش‌دهنده به سمت آن، ابعاد مختلف درون‌فردی، بین‌فردی و محیطی را دربرمی‌گیرد (زارع، ۲۰۱۱). از طرفی تعدادی از پژوهشگران با در نظر گرفتن خیانت به‌عنوان یک مسئله شخصی، بر ویژگی‌های درون‌فردی نظیر تنوع‌طلبی جنسی و عاطفی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به‌ویژه درر بعد عاطفی و جنسی، ضعف در ایمان و اعتقادات مذهبی بازدارنده، برون‌گرایی<sup>۶</sup>، ضعف نیروی تعهد، کینه‌ای و انتقام‌جو بودن به‌عنوان علل اصلی خیانت تأکید دارند (زنگل، ادلونند و ساگارین<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳؛ برور و آبل<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵؛ حمیدی، احمدی و ویسانی، ۱۳۹۳)، از طرف دیگر سایر پژوهشگران، اختلال در روابط بین‌فردی نظیر نارضایتی عاطفی، نارضایتی جنسی، سبک دلبستگی ناایمن، افزایش

<sup>۱</sup> Stephanlo & Olla.

<sup>۲</sup> Jones, N. D., & Weiser, A. D.

<sup>۳</sup> Eindor, T., Perrypaldi, A., Hirschberger, G., Birbaum, E. G., & Deutsch, D.

<sup>۴</sup> Aivess & Esmith

<sup>۵</sup> Mark, K. P, Janssen, E., & Milhausen, R. R.

<sup>۶</sup> Extraversion

<sup>۷</sup> Zengel, B., Edlund, E. J., & Sagrin, J. B

<sup>۸</sup> Brewer, G., & Abell, L

تعاملات منفی نسبت به تعاملات مثبت را به‌عنوان علل خیانت گزارش می‌کنند و معتقدند که خیانت، حاصل نقص در رابطه زوجی است و تنها در رابطه ملال‌آور و آشفته اتفاق می‌افتد (جِنکینس، ۲۰۱۵؛ استاپلس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲؛ هنرپروران، ۱۳۹۳؛ برور، هانت، جیمز و آبل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). خیانت زناشویی امروزه به‌عنوان نوعی اختلال رفتاری در نظر گرفته می‌شود که با مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آسیب‌های روانی نظیر شوک، خشم، افسردگی، درماندگی، نفرت و انتقام برای همسرانی که به آن‌ها خیانت شده (باربارو، فام و شاجلفورد<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵) و شرم، احساس گناه، عصبانیت و ناامیدی برای همسرانی که خیانت کرده‌اند همراه است و همچنین در بعد ارتباطی نیز مشکلاتی نظیر مرگ عاطفی، طلاق عاطفی، عدم اعتماد به یکدیگر، تضعیف عملکردی در نقش‌های والدینی، مشکلات شغلی، نارضایتی ارتباطی، ناسازگاری ارتباطی، کاهش صمیمیت ارتباطی و نهایتاً طلاق را به دنبال دارد (تسپلاس و همکاران، ۲۰۱۰؛ ایندور و همکاران، ۲۰۱۴؛ جینکس، ۲۰۱۵). افزایش روزافزون بحران خیانت در سطح جامعه و پیامدهای روانی و اجتماعی همراه آن، بررسی و شناسایی ویژگی‌های زوجین خیانت و طراحی برنامه‌های مختلف در سطح فردی و اجتماعی را جهت کاهش این ضایعه و پیامدهای همراه با آن ضروری می‌کند.

مطالعات و پژوهش‌های گسترده‌ای در ارتباط با شناسایی ویژگی‌های زوجین بی‌وفا و افراد درگیر در روابط فرازناشویی انجام شده است که منجر به شناسایی آمیخته‌ای از ویژگی‌های درون‌فردی، بین‌فردی و محیطی شده است. برور و آبل (۲۰۱۵)، در پژوهش خویش گزارش کردند که یکی از ویژگی‌هایی که تا حد زیادی توانایی پیش‌بینی خیانت زوجین را دارد ماکیاولیسم است، به‌عبارت‌دیگر آن‌ها در پژوهش خویش نشان دادند که ارتباط بسیار زیادی بین سطح ماکیاولیسم و فعالیت جنسی افراد وجود دارد و مردان و زنانی که از سطح بالایی از این ویژگی برخوردار هستند نسبت به سایر افراد، گرایش و تمایل بیش‌تری به فریب جنسی، خیانت و درگیر شدن در روابط متنوع جنسی دارند. لالاس و ویگل<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) بیان کردند که هیجان‌خواهی نقش بالایی در گرایش به سمت خیانت دارد، در واقع مردان و زنانی که از

<sup>1</sup> Staples, J

<sup>2</sup> Brewer, G., Hunt, D., James, G., & Abell, L.

<sup>3</sup> Barbaro, N., Pham, N. M., & Shachelford, K. T

<sup>4</sup> Lalasz, B. C., & Weigel, J. D.

سطح هیجان خواهی بالایی برخوردار هستند تمایل بیش تری به تجربه فعالیت‌های عاطفی و جنسی با افراد جدید و متنوع دارند و نسبت به سایر افراد خیلی زودتر از روابط تکراری با یک فرد خاص (همسر یا شریک جنسی) خسته شده و به سمت خیانت گرایش پیدا می‌کنند. ای‌ویسر و جی‌ویگل (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خویش بیان کردند که ویژگی‌هایی نظیر ماکیاولیسم، گشودگی و تجربه‌پذیری، سبک‌های دلبستگی ناایمن، روان‌رنجوری و روان‌پریشی و خودشیفتگی، پیش‌بینی‌کننده‌های بسیار قوی برای خیانت زناشویی و فریب جنسی و عاطفی هستند و افراد برخوردار از این ویژگی‌ها، نسبت به افرادی که دارای این ویژگی‌ها نیستند گرایش بسیار بیش تری به سمت خیانت زناشویی و تکرار آن دارند.

مطالب پیشین از یک سو افزایش بیش از حد بحران خیانت و روابط فرازناشویی را بین زوجین آشکار کرده و از سوی دیگر ضرورت طراحی و به کارگیری برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی، جهت کاهش این بحران و آسیب‌های مخرب آن را آشکار می‌سازد و لذا این پژوهش بر این است که با شناسایی ویژگی‌های شخصیتی مردان بی‌وفا (خیانت) با استفاده از روشی کیفی و در قالب مصاحبه‌هایی نیمه‌ساختاریافته، اطلاعات و بینش کافی جهت تدوین برنامه‌های مذکور را تا حدی فراهم بکند.

## روش

مطالعه حاضر به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام مردان بی‌وفا شهر شاهین‌دژ بودند. روش نمونه‌گیری مورد استفاده، نمونه‌گیری هدفمند بود. تعداد نمونه نیز بر اساس اصل اشباع مشخص گردید، در واقع فرایند گزینش نمونه‌ها تا هنگامی ادامه پیدا کرد که در جریان کسب اطلاعات هیچ داده جدیدی پدیدار نشد. به عبارت دیگر، جمع‌آوری داده‌ها تا حصول اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت که در پایان، تعداد نمونه‌های پژوهش به ۸ نفر رسید. معیارهای ورود به پژوهش حاضر عبارت بودند از: متأهل بودن، داشتن تجربه خیانت حداقل برای یک‌بار و تمایل برای شرکت در پژوهش.

ماهیت اکتشافی پژوهش، انعطاف‌پذیری بالای پژوهشگر را جهت کاوش موضوعات تازه و مبهم می‌طلبد. بر این اساس از روش مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. این روش

مصاحبه شرایطی را به وجود می‌آورد تا شرکت‌کنندگان دیدگاه خود را آن‌گونه که تجربه کرده‌اند با استفاده از زبان و ادبیات خاص خود تشریح کنند. مصاحبه‌ها با یک سؤال کلی در مورد ویژگی‌های شخصیتی افراد بی‌وفا یا خصوصیات تأثیرگذار در گرایش به سمت خیانت شروع شد و در طول انجام پژوهش از سؤالات کاوشگرانه مانند (می‌توانید در این باره توضیح بیشتری بدهید؟ یا می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان بکنید؟) جهت دستیابی به جزئیات و اطلاعات غنی‌تر استفاده شد. تعداد ۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد که هر کدام ۴۵-۶۰ دقیقه به طول انجامید و مدت زمان مصاحبه از قبل توسط فرد پژوهشگر با توافق مشارکت‌کننده مشخص شد. داده‌ها در طول یک دوره ۴ ماهه جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضامین اصلی و فرعی طبقه‌بندی گردید. جهت تحلیل اطلاعات، از روش تحلیل تفسیری دیکلمن و همکاران استفاده شد. در شیوه پدیدارشناسی روش‌های تحلیلی مختلفی وجود دارد که هر چند بین آن‌ها همپوشانی زیادی وجود دارد، اما روش مذکور در مطالعه موضوعات اکتشافی و مبهم ارجحیت دارد (گوبا و لینکولن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹).

بر اساس این روش متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌شدن روی برگه، چندین بار مرور شد تا شناختی کلی از آن حاصل شود. سپس برای هر یک از متون مصاحبه خلاصه تفسیری نوشته شد و نسبت به درک و استخراج معانی نهفته در آن اقدام گردید. در ادامه پژوهشگران در استخراج مضامین به مشارکت و تبادل نظر پرداختند (خدادادی‌سنگده، محمدنظری، حسنی، ۱۳۹۴). با تداوم مصاحبه‌ها، مضمون قبلی روشن‌تر می‌شد و تکامل می‌یافت و گاه مضمون جدیدی شکل می‌گرفت. جهت روشن‌سازی، مقوله‌بندی و رفع تناقض‌های موجود در تفسیر، فرآیند بازگشت دوباره به متون صورت می‌گرفت و در هر مرحله با ادغام خلاصه‌های تفسیری، تحلیل کلی‌تری انجام می‌شد تا در نهایت ارتباط بین تفاسیر و مضامین جهت رسیدن به نتیجه نهایی به بهترین نحو ممکن صورت گرفت. به منظور بررسی اعتبار یافته‌های حاصل از پژوهش از ۴ شاخص اعتبار گوبا و لینکولن استفاده شد. برای تضمین اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، متون مصاحبه هر فردی (تا حدی که ممکن بود) دوباره به وی داده شد و در صورت لزوم تغییرات لازم در آن اعمال شد. جهت تضمین قابلیت تصدیق، پژوهشگران تلاش کردند

<sup>۱</sup> Guba, E. G., & Lincoln, Y. S

که تا حد ممکن از دخالت دادن پیش‌فرض‌های پیشین خود در جریان تجزیه و تحلیل و تفسیر جلوگیری کنند. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت، از نظارت و همکاری متخصصین استفاده شد و متن مصاحبه جهت بررسی کدگذاری‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت.

هدف از تحلیل داده‌ها، استخراج مفاهیم و سپس مضامین است. مضامین یکسری مشخصه‌های کلی هستند که معنای محوری مفاهیم، تشابهات و تفاوت‌ها را بازنمایی می‌کند. هر مضمون باید یک جزء متفاوت از پدیده را تشریح کند و تعداد مقوله‌ها نباید زیاد باشد بلکه حداقل تعداد مطرح است (چوپانی و نعیمی، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر متن مصاحبه‌ها پس از پیاده شدن بر روی کاغذ، تحلیل مضمونی شد. مقوله‌بندی بر اساس بررسی دقیق اطلاعات، تکرار کدگذاری‌ها، طبقه‌بندی‌ها و مقایسه‌ها صورت گرفت. پس از استخراج، کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها، مضامین مشترک و مرتبط باهم، در قالب مضامین فرعی و در نهایت مضامین اصلی ترکیب و مضامین غیرمرتبط حذف شدند و برای بررسی ارتباط بین مقوله‌ها و یکپارچه کردن آن‌ها از تلفیق تفکر قیاسی و استقرایی و حرکتی مداوم بین مفاهیم صورت گرفت و بر مبنای اصول نظری حاکم مضامین اصلی و فرعی نام‌گذاری شدند.

در فرایند تحلیل از نظارت یکی از اساتید رشته مشاوره (متخصص در پژوهش کیفی) استفاده شد و متن مصاحبه و کدهای استخراج شده در اختیار وی قرار داده شد و وی نیز به بررسی کدها، مضامین فرعی و اصلی شناسایی شده پرداخت و با ایجاد تغییرات و اصلاحات ضروری یکپارچگی تحلیل داده‌ها را ممکن ساخت. برای رعایت ملاحظات اخلاقی و محافظت از حقوق مشارکت‌کنندگان، پژوهشگر بعد از اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و توضیح اهداف پژوهش، به آن‌ها اطمینان داد که مطالب مصاحبه شده کاملاً محرمانه و بدون نام‌بردن از افراد ثبت خواهد شد و امانت‌داری در متن مصاحبه رعایت می‌گردد. همچنین گفت‌وگوی ضبط شده پس از اتمام تحلیل و نگارش کامل مقاله و چاپ آن پاک خواهد شد و به آزادی افراد در خروج و عدم ادامه همکاری شرکت‌کنندگان نیز تأکید شد. لازم به ذکر است که در صورت تمایل یک نسخه از مقاله چاپ شده به مشارکت‌کنندگان در پژوهش داده خواهد شد.



## نتایج

تمامی شرکت‌کنندگان مطالعه مرد و همگی متأهل بودند، میانگین سنی آن‌ها ۳۴/۰۸ سال بود، میانگین طول ازدواج آن‌ها ۶ سال بود و ۴ نفر از آن‌ها لیسانس و بقیه دیپلم به پایین بودند. تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان پژوهش منجر به شناسایی ۲۱۰ کد اولیه، ۳۴ زیرمضمون و ۶ مضمون اصلی شد که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: مضامین محوری و زیرمضمون‌های مربوط به ویژگی‌های شخصیتی مردان بی‌وفا (خیانت)

فرآوانی	مضامین اصلی	مضامین فرعی
۶	تنوع‌طلبی جنسی	میل به تجربه کردن زنان مختلف، خسته‌شدن از یک زن تکراری، تجربه‌اندام‌های مختلف، زنده نگه‌داشتن شور جنسی از طریق رابطه با زنان مختلف، کنجکاوی جنسی در مورد زن‌های مختلف، خیال‌پردازی‌های جنسی در مورد افراد و اندام‌های مختلف.
۳	اعتمادبه‌نفس پایین	کسب مهارت‌های عاطفی به‌طور کامل، رفع نقایص مهارت‌های جنسی خود، رفع هرگونه ترس در برقراری رابطه با همسر، به دست آوردن اعتماد به خود در برقراری رابطه عاطفی، کسب اعتماد به خود در برقراری رابطه جنسی.
۷	عدم‌پابندی مذهبی	عدم پابندی به باورهای دینی و مذهبی، عدم پابندی به زشت و حرام بودن این رابطه، اعتقاد به آزادی جنسی مردان، اعتقاد به خوب بودن این رابطه به دلیل ارضای جنسی و مالی یک زن، طبیعی دانستن رابطه عاطفی با زنان دیگر.
۵	ضعف و یا عدم‌وجدان	عدم‌احساس گناه بعد از خیانت، عدم‌سرزنش خویش، زشت ندیدن این نوع رابطه، سوءاستفاده از اعتماد همسر خویش، عدم‌پشیمانی، مسئول دانستن مطلق همسر خویش و عدم‌پذیرش مسئولیت. کنارزدن همسر خویش تا حد زیاد.
۳	دل‌بستگی اجتنابی	نفی اعتماد عمیق به دیگران، نفی صمیمیت جنسی عمیق و پیوسته، نفی صمیمیت عاطفی عمیق و مداوم، بی‌میلی به روابط نزدیک و صمیمی به‌ویژه از نوع مداوم، تأکید و تأیید روابط جنسی یک‌شبه، تأکید و تأیید روابط جنسی فارغ از عشق و صمیمیت عاطفی.
۶	هیجان‌خواهی	تمایل به تجربیات جنسی جدید و تازه، تمایل به تجربیات عاطفی جدید و تازه، لذت‌بردن از تجربیات توأم با خطر، حفظ شور جنسی از طریق رابطه با زنان مختلف، کنجکاوی‌های جنسی زیاد و تمایل به ارضای آن.

## تنوع‌طلبی جنسی

بر اساس تجارب مشارکت‌کنندگان، اولین مضمون اصلی شناسایی شده در پژوهش حاضر، تنوع‌طلبی جنسی است که میل به تجربه کردن زنان مختلف، خسته‌شدن از یک زن تکراری، تجربه‌اندام‌های مختلف، زنده نگه‌داشتن شور جنسی از طریق رابطه با زنان مختلف، کنجکاوی

جنسی در مورد زن‌های مختلف، خیال‌پردازی‌های جنسی در مورد افراد و اندام‌های مختلف از جمله زیرمضامین این مضمون اصلی می‌باشد که در جریان تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان مورد شناسایی قرار گرفت. میل به تجربه کردن زنان مختلف: «دلم می‌خواه روزی با یکی باشم و تجربش کنم» (شرکت‌کننده شماره ۴)؛ دست‌خودم نیست دوست دارم با زن‌های زیادی رابطه داشته باشم (شرکت‌کننده شماره ۶). خسته شدن از زن تکراری: «تو میتونی تا عمر داری فقط به لباس بپوشی، همیشه دیگه، آدم خسته میشه همش با یه زن باشه» (شرکت‌کننده شماره ۷). تجربه اندام‌های مختلف: «دوست دارم اندام‌هایی با شکل‌های مختلف رو تجربه بکنم» (شرکت‌کننده شماره ۴). زنده نگه داشتن شور جنسی: واسه اینکه میل جنسیم فعال باشه نیازه که با زن‌های مختلف رابطه داشته باشم (شرکت‌کننده شماره ۷). کنجکاوی جنسی: «همیشه دوست دارم بدونم این زن یا این اندام چه لذتی داره» (شرکت‌کننده شماره ۳). خیال‌پردازی جنسی: «ذهنم همش پر از تصورات در مورد سکس با افراد مختلفه» (شرکت‌کننده شماره ۲).

### عدم پابندی مذهبی

دومین مضمون محوری شناسایی شده در این پژوهش عدم پابندی مذهبی بود که دربرگیرنده ۵ زیرمؤلفه بود که عبارت‌اند از: عدم پابندی به باورهای دینی و مذهبی: «مذهب چیه بابا همین مذهب مارو بیچاره کرده بیخیالش» (شرکت‌کننده شماره ۵). عدم پابندی به زشت و حرام بودن این رابطه: «انصافاً کجای رابطه جنسی زشته، نیازه که باید ارضا بشه» (شرکت‌کننده شماره ۲). اعتقاد به آزادی جنسی مردان: «مرد تو هر رابطه‌ای آزاده و هرچقدر دلش بخواد میتونه رابطه برقرار بکنه» (شرکت‌کننده شماره ۵). اعتقاد به خوب بودن این رابطه به دلیل ارضای جنسی و مالی یک زن: «کجای این رابطه بده مرد حسابی! نیاز به زن بیچاره هم ارضا میشه دیگه!» (شرکت‌کننده شماره ۸). طبیعی دانستن رابطه عاطفی با زنان دیگر: «رابطه محبت‌آمیز بین زن و مرد جزو قانون طبیعته، زن و مرد خلق شدن واسه همین روابط» (شرکت‌کننده شماره ۲).

### اعتماد به نفس پایین

سومین مضمون اصلی شناسایی شده در این پژوهش اعتماد به نفس پایین بود که تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه منجر به شناسایی ۵ زیرمضمون آن شد، زیرمضماینی که عبارت‌اند از کسب

مهارت‌های عاطفی، کسب مهارت‌های جنسی، کسب اعتماد به خود در برقراری رابطه عاطفی، کسب اعتماد به خود در برقراری رابطه جنسی. کسب مهارت‌های عاطفی: «واسه اینکه بفهم چطور به زخم ابراز علاقه کنم لازمه با خانم‌های دیگه رابطه برقرار کنم» (شرکت کننده شماره ۲). کسب مهارت‌های جنسی: «رابطه جنسی مهارت میخواد، همیشه که زخم رو موش آزمایشگاهی کنم، واسه همین لازم میدونم با زنای دیگه رابطه برقرار کنم تا با تجربه بشم» (شرکت کننده شماره ۱). کسب اعتماد به خویش در روابط عاطفی: «از برقراری رابطه عاطفی ترس دارم! از وقتی که درگیر این نوع روابط شدم ترسم از شکل دهی به این نوع روابط کم شده» (شرکت کننده شماره ۴). کسب اعتماد به خویش در روابط جنسی: «تا قبل از ازدواج تجربه سکس و روابط جنسی نداشتم، طبیعیه که بترسیم تا حدی، برای از بین بردن این ترس لازمه روابط جنسی رو بارها و بارها تجربه کنیم» (شرکت کننده شماره ۲).

### ضعف یا عدم وجدان

چهارمین مضمون محوری شناسایی شده در این پژوهش ضعف یا عدم وجدان بود که تحلیل تجارب مشارکت‌گندگان منجر به شناسایی ۷ زیرمؤلفه آن شد که عبارت‌اند از: عدم احساس گناه بعد از خیانت: «یکبار نشده که بعد از این روابط احساس گناه بکنم، اصلاً احساس گناه نمیخواد» (شرکت کننده شماره ۳). عدم سرزنش خویش: «من میگم این رابطه‌ها خوبه حالا تو میگی خودتو سرزنش می‌کنی! سرزنش نمی‌کنم هیچ تشویق هم می‌کنم!» (شرکت کننده شماره ۲). زشت ندیدن این نوع رابطه: «این روابط زشت نیست، هر دو نفر راضی پس گور پدر ناراضی» (شرکت کننده شماره ۷). سوءاستفاده از اعتماد همسر خویش: «زخم اندازه کافی بهم اعتماد داره، منم بی‌دردسر و بدون ترس از لو رفتن هرکاری بخوام می‌کنم» (شرکت کننده شماره ۸). عدم پشیمانی: «تا الآن یکبار نشده از کارم پشیمون بشم» (شرکت کننده شماره ۱). مسئول دانستن مطلق همسر خویش: «دلیل خیانت من تا حد زیادی ناتوانی همسرم در ارضای نیازهای عاطفی و جنسیم هستش، اگر زخم واقعاً ارضاکننده باشه، مریضم درگیر این روابط توأم با ترس بشم؟» (شرکت کننده شماره ۲). کنارزدن همسر خویش تا حد زیاد: «همسرم راه خودش رو بره و منم راه خودم رو میرم، کاری به کار هم نداشته باشیم، آزاده آزاد» (شرکت کننده شماره ۳).

## دل‌بستگی اجتنابی

یکی دیگر از مضامین محوری شناسایی شده در این پژوهش دل‌بستگی اجتنابی بود که تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه منجر به شناسایی ۶ زیرمؤلفه آن شد: نفی اعتماد عمیق به دیگران: «نباید به کسی اعتماد کرد، ازش استفاده بکن ولی اعتماد نکن» (شرکت کننده شماره ۷). نفی صمیمیت جنسی عمیق و پیوسته: «نباید با هیچ کس از لحاظ جنسی عمیقاً صمیمی شد» (شرکت کننده شماره ۲). نفی صمیمیت عاطفی عمیق و مداوم: «همه دروغ گو و نامردن! بهشون دل بندگی ازت سوءاستفاده میکنن» (شرکت کننده شماره ۳). بی میلی به روابط نزدیک و صمیمی به ویژه از نوع مداوم: «قبلاً هم گفتم که هیچ میلی به روابط عاشقانه بلندمدت ندارم، مثلاً ازدواج، این روابط گذرا رو بر هر رابطه دیگه‌ای ترجیح میدم» (شرکت کننده شماره ۱). تأکید و تأیید روابط جنسی یک‌شبه: «سکس باید یه شبه و به قول بچه‌ها کوتاه مدت باشه» (شرکت کننده شماره ۲). تأکید و تأیید روابط جنسی فارغ از عشق و صمیمیت عاطفی: «رابطه به نظر من باید طوری نباشه که وابستگی ایجاد بشه، سریع باید کنار بکشی ازش» (شرکت کننده شماره ۳).

## هیجان خواهی

آخرین مضمون محوری شناسایی شده در این پژوهش هیجان خواهی بود که در جریان تحلیل داده‌ها ۶ زیرمؤلفه آن شناسایی شد که عبارت‌اند از: تمایل به تجربیات جنسی جدید و تازه: «دلم میخواد هرروز با یکی رابطه داشته باشم، هیجان ایجاد می‌کنه» (شرکت کننده شماره ۵). تمایل به تجربیات عاطفی جدید و تازه: «هر انسانی نیاز عاطفی داره، برای ارضای این نیاز صرفاً یک نفر کفایت نمی‌کنه!» (شرکت کننده شماره ۳). عدم تمایل به تجربیات عاطفی و جنسی تکراری: «از تکرار بدم می‌آید صرفاً رابطه با یک زن ملال آور» (شرکت کننده شماره ۱). لذت بردن از تجربیات توأم با خطر: «آقا خداییش این رابطه‌ها لذت بخشه و هرچی خطرش بیش تر باشه لذتش بیش تر» (شرکت کننده شماره ۳). حفظ شور جنسی از طریق رابطه با زنان مختلف: «واسه اینکه قدرت جنسی خودم رو حفظ کنم، لازم میدونم با افراد مختلف رابطه داشته باشم» (شرکت کننده شماره ۱). کنجکاوی‌های جنسی: «همیشه دوست دارم بدونم زن‌ها

و اندام‌های مختلف چه مزه و لذتی دارن» (شرکت کننده شماره ۳).

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش کیفی حاضر با رویکرد پدیدارشناختی به بررسی ویژگی‌های شخصیتی مردان بی‌وفا (خیانت) پرداخت. تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۶ مضمون اصلی (تنوع‌طلبی جنسی، اعتماد به نفس پایین، عدم پابندی مذهبی، سبک دلبستگی اجتنابی، ضعف و یا عدم وجدان و هیجان خواهی) در زمینه ویژگی‌های شخصیتی مردان بی‌وفا شد. تنوع‌طلبی جنسی و میل به تجربه کردن رابطه جنسی متنوع و تازه، یکی از ویژگی‌های مردان بی‌وفا می‌باشد که در گرایش به سمت فریب جنسی و روابط فرازناشویی نقش بسیار تأثیرگذاری دارد. حمیدی و همکاران (۱۳۹۳) بیان کردند که علل و عوامل مختلفی در گرایش زوجین به روابط فرازناشویی تأثیر دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تنوع‌طلبی عاطفی و جنسی می‌باشد، در واقع آن‌ها در پژوهش خویش نشان دادند که تنوع‌طلبی و تمایل به تجربه روابط مختلف تا حد زیادی احتمال درگیر شدن در روابط فرازناشویی را افزایش می‌دهد. برور و آبل (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خویش گزارش کردند که ماکیاولیسم و تنوع‌طلبی از جمله ویژگی‌های زوجین درگیر در روابط فرازناشویی می‌باشد و قدرت زیادی در پیش‌بینی گرایش زوجین به سمت این روابط دارد، به عبارت دیگر ماکیاولیسم و تنوع‌طلبی از جمله خصوصیات شخصیتی هستند که تأثیر زیادی در تحریک زوجین برای برقراری روابط فرازناشویی دارند و زوجین دارای این ویژگی‌ها نسبت به سایر زوجین به احتمال بیش‌تری درگیر روابط فرازناشویی می‌شوند.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، تنوع‌طلبی سبب می‌شود زوجین خیلی سریع‌تر از روابط تکراری و مداوم خویش با یک فرد مشخص (همسر) خسته بشوند و به سمت برقراری روابط نو و جدید تمایل پیدا بکنند، در واقع افرادی که از ویژگی شخصیتی تنوع‌طلبی در بعد جنسی و عاطفی برخوردار هستند نسبت به سایر افرادی که از این ویژگی برخوردار نیستند، تمایل بسیار بیش‌تری به برقراری رابطه جنسی و عاطفی با افراد مختلف و متنوع دارند و بدین شکل امنیت روانی و لذت درونی خویش را تأمین می‌کنند، چنین افرادی برایشان بسیار دشوار است که برای مدت طولانی و تا آخر عمر صرفاً با همسر خویش رابطه عاطفی و جنسی داشته

باشند، زیرا که تکرار یک امر برای این گروه از افراد بسیار ملال آور می‌باشد و وجود انگیزهٔ مداوم برقراری رابطه با افراد مختلف و تجربه روابط و موقعیت‌های جدید، زمینه گرایش این افراد به سمت روابط فرازنشویی را تا حد زیادی فراهم می‌کند، لذا بدیهی است که افراد دارای این ویژگی شخصیتی نسبت به سایر افراد، تمایل بیش تری به درگیر شدن در روابط فرازنشویی داشته باشند.

اعتماد به نفس پایین به ویژه در زمینهٔ روابط جنسی و عاطفی یکی دیگر از ویژگی‌های مردان بی‌وفا (خیانت) می‌باشد و در واقع تعداد زیادی از مصاحبه‌شوندگان دلیل خیانت خود را تقویت اعتماد به خویشان در زمینهٔ رابطهٔ جنسی و عاطفی و رفع نقایص خویش در این زمینه، معرفی کردند. حمیدی و همکاران (۱۳۹۳) اختلال در سطح اعتماد به نفس را به عنوان یکی از علل گرایش دهندهٔ زوجین به خیانت و روابط فرازنشویی گزارش کردند و نشان دادند تعداد زیادی از زوجینی که درگیر روابط فرازنشویی هستند، تردید زیادی نسبت به توانمندی‌های عاطفی و جنسی خویش دارند و از طریق شکل‌دهی به روابط فرازنشویی با افراد مختلف، سعی در رفع این کمبود خویش و تقویت عملکرد عاطفی و جنسی خود در برقراری ارتباط با همسر اصلی خویش دارند. تساپلاس و همکاران (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خویش تأکید کردند که پرورش مهارت‌های عاطفی و جنسی و کسب اطمینان قلبی نسبت به توانمندی خویش در این حوزه، می‌تواند به عنوان یکی از علل گرایش دهندهٔ زوجین به سمت روابط فرازنشویی و خیانت مورد تأکید قرار بگیرد.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که زندگی زناشویی و موفقیت عملکردی در آن مستلزم مهارت‌های مختلفی است که یکی از اساسی‌ترین این مهارت‌ها، مهارت در شکل‌دهی و تداوم روابط عاطفی و جنسی و اطمینان نسبت به توانمندی خویش در این حوزه می‌باشد، مهارت‌هایی که بسیاری از زوجین از داشتن آن محروم هستند و تعداد دیگری از زوجین با وجود دارا بودن این مهارت‌ها، اطمینان و اعتماد قلبی نسبت به عملکرد مطلوب خویش در این حوزه ندارند، لذا زوجین از طریق درگیر کردن خویش در روابط مختلف فرازنشویی سعی در بهبود مهارت‌های عاطفی و جنسی خویش دارند و بدین شکل اطمینان درونی

خویش، نسبت به عملکرد مطلوب خود در این حوزه را افزایش می‌دهند، لذا بدیهی است که بسیاری از زوجین درگیر در روابط فرازناشویی، کسب مهارت در زمینه برقراری روابط عاطفی و جنسی و تقویت اعتماد به خویشان در این حوزه را، به‌عنوان علت اصلی گرایش دهنده به سمت این روابط مورد تأکید قرار بدهند.

سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی) یکی دیگر از ویژگی‌های مردان خیانت بود که در جریان تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه مورد شناسایی قرار گرفت. رفیعی، حاتمی و فروغی (۱۳۹۰) بیان کردند که سبک دلبستگی اجتنابی یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار در گرایش زوجین به سمت روابط فرازناشویی متنوع و کوتاه‌مدت می‌باشد و زوجین برخوردار از این سبک دلبستگی، متأثر از عدم اعتماد ارتباطی به دیگران، داشتن روابط کوتاه‌مدت و متعدد را به روابط دائمی و واحد ترجیح می‌دهند. سهرابی و رسولی (۱۳۸۷)؛ به نقل از رفیعی و همکاران، (۱۳۹۰) در پژوهش خویش نشان دادند که سبک دلبستگی اجتنابی عاملی خطرزا برای روابط زوجی می‌باشد و افرادی که روابط فرازناشویی دارند، معمولاً دارای سبک دلبستگی اجتنابی هستند. بورچل و وارد (۲۰۱۱)؛ به نقل از زنگیل و همکاران، (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خویش نشان داد که سبک دلبستگی ناایمن تا حد زیادی احتمال درگیر شدن در روابط فرازناشویی را افزایش می‌دهد و زوجینی که دارای این نوع از سبک‌های دلبستگی هستند نسبت به زوجین دارای سبک دلبستگی ایمن بیش‌تر درگیر روابط فرازناشویی هستند.

در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی در اعتماد کردن به دیگران دچار مشکل هستند و همواره بر این عقیده‌اند که دیگران قصد آزار و سوءاستفاده از آن‌ها را دارند، لذا نباید این فرصت بدان‌ها داده بشود، درواقع این افراد از شکل دهی به روابط عاطفی و جنسی بلندمدت امتناع می‌کنند زیرا به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند به صداقت دیگران اعتماد بکنند و به همین خاطر است که روابط فرازناشویی را که موقتی و گذرا هستند بر روابط زناشویی که دائمی می‌باشد ترجیح می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی تمایلی به بودن با فرد مراقب (والدین یا همسر) ندارند و همواره از آن‌ها کناره‌گیری می‌کنند، درواقع نبود آن‌ها را بر بودنتان ترجیح می‌دهند و بدین‌شکل آرامش درونی خویش

را تأمین می‌کنند، لذا بدیهی است که این افراد نسبت به سایر افرادی که از سبک دلبستگی ایمن برخوردار هستند و روابط زناشویی برایشان امنیت روانی تأمین می‌کند درگیر روابط فرازناشویی و خیانت بشوند.

از دیگر ویژگی‌های مردان بی‌وفا (خیانت) که در پژوهش حاضر شناسایی شد و در گرایش آن‌ها به سمت روابط فرازناشویی تأثیرگذار می‌باشد، عدم پایبندی مذهبی و فقدان وجدان درونی بود. حمیدی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خویش گزارش کردند که مذهب یکی از اصلی‌ترین عوامل پیشگیری‌کننده از خیانت و روابط فرازناشویی است، درواقع زوجینی که از پایبندی مذهبی بالایی برخوردار هستند نسبت به سایر زوجین کم‌تر احتمال دارد درگیر روابط فرازناشویی بشوند، به عبارت دیگر آن‌ها در پژوهش خویش نشان دادند که پایبندی مذهبی نقش تأثیرگذاری در جلوگیری از گرایش زوجین به سمت روابط نامشروع و فرازناشویی دارد و فقدان آن یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های افراد دارای روابط فرازناشویی است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت مذهب و باورهای دینی نقش بسیار قدرتمندی در پیشگیری از گرایش افراد به رفتارهای نابهنجار نظیر خیانت و روابط فرازناشویی دارد و افرادی که از پایبندی مذهبی برخوردار هستند همواره خدا را بر خویشتن ناظر می‌بینند و رضایت وی را بر رضایت خویشتن و اطرافیان خود ترجیح می‌دهد، ترجیحی که قدرت درونی کافی را در فرد برای امتناع از رفتارهای ناشایست نظیر خیانت را باوجود لذت‌آنی فراوان به وجود می‌آورد. از سوی دیگر افرادی که دارای اعتقادات مذهبی نیستند هیچ‌گونه ابایی از گرایش به رفتارهای ناشایست نظیر خیانت ندارند و بدون هیچ‌گونه عذاب وجدانی درگیر این نوع روابط می‌شوند.

هیجان‌خواهی و تمایل به درگیر شدن در فعالیت‌های جنسی و عاطفی متنوع و امتناع از روابط تکراری و خسته‌کننده از دیگر ویژگی‌های مردان بی‌وفا (خیانت) بود. بی‌لااس و جی‌ویگل (۲۰۱۱) در پژوهش خویش تأکید کردند که هیجان‌خواهی و تمایل به تجربه کردن موقعیت‌ها و روابط جدید یکی از عواملی است که احتمال گرایش زوجین به روابط فرازناشویی و خیانت را تا حد زیادی افزایش می‌دهد، به عبارت دیگر آن‌ها در پژوهش خویش نشان دادند که هیجان‌خواهی



نقش قدرتمندی در پیش‌بینی احتمال گرایش زوجین به روابط فرازناشویی و خیانت دارد. زوکرمن (۲۰۰۷)؛ به نقل از بی‌لالاس و جی‌ویگِل، (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خویش از هیجان‌خواهی به‌عنوان یکی اصلی‌ترین علل گرایش‌دهنده به خیانت و روابط فرازناشویی گزارش کردند، در واقع آن‌ها در پژوهش خویش نشان دادند زوجینی که از ویژگی هیجان‌خواهی برخوردار هستند نسبت به سایر زوجین بیش‌تر احتمال دارد درگیر روابط فرازناشویی بشوند. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که از ویژگی هیجان‌طلبی بالایی برخوردار هستند تمایل زیادی به تجربه موقعیت‌ها و روابط نو و جدید دارند و از پرداختن به امور و روابط تکراری خیلی سریع‌تر خسته می‌شوند و به همین خاطر زوجینی که از هیجان‌طلبی بالایی برخوردار هستند نسبت به سایر زوجین احتمال متعهد ماندشان به رابطه زناشویی در سطح پایین‌تری قرار دارد و بیش‌تر احتمال دارد درگیر روابط فرازناشویی و نامشروع بشوند.

به‌طور کلی پژوهش حاضر به بررسی ویژگی‌های شخصیتی مردان بی‌وفا (خیانت) پرداخت و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه منجر به شناسایی ۶ ویژگی اصلی مردان بی‌وفا (تنوع‌طلبی جنسی، اعتماد به نفس پایین، عدم پابندی مذهبی، ضعف وجدان، سبک دلبستگی اجتنابی و هیجان‌خواهی) به‌عنوان ویژگی‌های تأثیرگذار در گرایش آن‌ها به سمت خیانت و روابط فرازناشویی شد. این یافته‌ها از یکسو لزوم توجه بیش‌تر به بحران خیانت را یادآور می‌شود و از سوی دیگر با شناسایی گسترده ویژگی‌های شخصیتی این افراد، اطلاعات کافی را برای تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی در این زمینه را تا حدی فراهم کرده است. کیفی بودن پژوهش حاضر، دشواری در شناسایی اعضای نمونه به دلیل پنهان‌بودن این جامعه، دشواری انجام مصاحبه‌ای باز با این افراد به دلیل زشت و قبیح‌بودن عمل خیانت، شرم در پاسخگویی و امتناع در پاسخ دقیق و صادقانه به برخی از سؤالات از جانب مصاحبه‌شوندگان و صرفاً مرد بودن نمونه پژوهش، از جمله محدودیت‌هایی است که تعمیم یافته‌های پژوهشی را به جامعه در دسترس و هدف با محدودیت مواجه می‌کند و لذا پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی ویژگی‌های شخصیتی افراد درگیر در روابط فرازناشویی در نمونه بزرگ‌تر و با حضور هر دو جنسیت مورد بررسی قرار بگیرد.

## منابع

- حمیدی، امید؛ احمدی، سرور؛ و یسانی، مختار (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری خیانت زناشویی: یک مطالعه زلفی. همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق، سقز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز، صص ۹-۱.
- چوپانی، موسی؛ نعیمی، ابراهیم (۱۳۹۵). بررسی کیفی تعهد علمی \_ اخلاقی دانشجویان. فصلنامه فرهنگ مشاوره، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۸۰-۱۰۰.
- خدادادی‌سنگده، جواد؛ محمدنظری، علی؛ حسنی، جعفر (۱۳۹۴). تجارب والدین موفق در مورد خانواده موفق. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، سال چهارم، شماره ۲، صص ۱۷۸-۱۹۰.
- رفیعی، سحر؛ حاتمی، ابوالفضل؛ فروغی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی. فصلنامه جامعه‌شناسی زنان، دوره دوم، شماره ۱، صص ۲۱-۳۶.
- سودانی، منصور؛ کریمی، جواد؛ مهرابی‌زاده‌هنرمند، مهناز؛ نیسی، عبدالکاظم (۱۳۹۱). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت همسر. فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری، سال دهم، شماره ۴، صص ۲۵۸-۲۶۶.
- هنرپروران، نازنین (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی رویکرد پذیرش و تعهد (ACT) بر بخشش و سازگاری زناشویی زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر. فصلنامه علمی \_ پژوهشی زن و جامعه، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۵۰.
- Brewer, G., & Abell, L. (2015). Machiavellianism and sexual behavior: Motivations, deception and infidelity, *Personality and Individual Differences*, 74(2): 186-191.
- Barbaro, N., Pham, N. M., & Shachelford, K. T. (2015). Solving the problem of partner infidelity: Individual mate retention, coalitional mate retention, and in-pair copulation frequency. *Personality and Individual Differences*, 82(1): 67-71.
- Brewer, G., Hunt, D., James, G., & Abell, L. (2015). Dark Triad traits, infidelity and romantic revenge. *Journal of Personality and Individual Differences*, 83(1): 122-127.
- Eindor, T., Perrypaldi, A., Hirschberger, G., Birnbaum, E. G., & Deutsch, D. (2015). Evolution and human behavior. *Evolution and Human Behavior*, 36(1): 17-24.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth generation evaluation*. New York, NY: Sage Publications.
- Tsapelas, I., Fisher, H. E., & Aron, A. (2010) "Infidelity: when, where, why." IN WR Cupach and BH Spitzberg, *The Dark Side of Close Relationships II*, New York: Routledge, pp 175-196.
- Jenkins, Q. T. (2015). *Husbands response infidelity*. (Unpublished doctoral dissertation). University of Kentucky, Kentucky, Phd.
- Jones, N. D., & Weiser, A. D. (2014). Differential infidelity patterns among the Dark Triad. *Journal of Personality and Individual Differences*, 57(1): 20-24.1
- Lalasz, B. C., & Weigel, J. D. (2011). Understanding the relationship between gender and extradyadic relations: The mediating role of sensation seeking on intentions to engage in sexual infidelity. *Journal of Personality and Individual Differences*, 50(7): 1079-1083.
- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Arch Sex Behav*; 40(5): 971-82.
- Shackelford, T., Besser, A., & Goetz, A. T. (2008). Personality, marital Satisfaction, and probability of marital infidelity. *Individ Differ Res*, 6(1): 13-25.
- Staples, J. (2012). *Couples' Process of healing from while in therapy*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Master of Science Degree in Marriage and Family

- Therapy. University of Nevada.
- Stieglitz, J., Gurven, M., Kaplan, H., & Winking, J. (2012). Infidelity, jealousy, and wife abuse among Tsimane forager-farmers: testing evolutionary hypotheses of marital conflict. *Journal of Personality and Individual Differences*, 33(5): 438-448.
- Weiser, A. D., & Weigel, J. D. (2015). Personality and individual differences. *Journal of Personality and Individual Differences*, 85(1): 176-181.
- Zare, B. (2011). Review of study on infidelity. International conference on advanced management science, IACSIT Press, Singapore pp 182-186.
- Zengel, B., Edlund, E. J., & Sagrin, J. B. (2013). Sex differences in jealousy in response to infidelity: Evaluation of demographic moderators in a national random sample. *Journal of Personality and Individual Differences*, 54(1): 47-51.